

\*مریم فیض الهی  
\*\*زهرا فنایی

### چکیده

مینا سازی یکی از هنر های بی بدیل و ماندگار ایرانی است که به عنوان هویت و پیشینه فرهنگی، نسل گذشته را به آینده پیوند می دهد. در دوره قاجار این هنر نیز همچون سایر هنرها دچار تحولات جدیدی شد به گونه ای که در زمان حکومت فتحعلیشاه به پیشرفت زیادی دست یافت و تا اواخر دوره ناصرالدین شاه به صورت هنری درباری و اشرافی به کار می رفت اما پس از آن به فراموشی سپرده شد. آثار مینا کاری یافت شده از دوره قاجاری در موزه های داخل و خارج از کشور نمونه های با ارزشی از این هنر می باشند. در این میان 71 قطعه مینایی که در موزه آذربایجان تبریز نگهداری می شود به طور عمده شامل تصاویر زنان درباری آن روزگار است. در این پژوهش که به شیوه تاریخی - توصیفی انجام شده، براساس کتب، اسناد و مدارک موجود ویژگی های هنر میناسازی در دوره قاجار مورد مطالعه قرار گرفته و سپس به بررسی تطبیقی و تحلیلی لباس و پوشاک موجود در نگاره های قطعات مینا کاری شده و مقایسه آن ها با نگارگری ایرانی پرداخته شده است تا محدوده زمانی و سیر تحول پوشاک در دوره های مختلف قاجار ارزیابی شود.

واژگان کلیدی: میناسازی، قاجار، پوشاک قاجاریه، موزه آذربایجان تبریز.

\*دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی توریسم دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، میناساز و نگارگر

Email: [MARYAM-FEIZOLLAHI@YAHOO.COM](mailto:MARYAM-FEIZOLLAHI@YAHOO.COM)

\*\*دانشجوی دکترای تاریخ تطبیقی تحلیلی هنر اسلامی دانشگاه شاهد تهران، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.

Email: [Z\\_fanaie@iaun.ac.ir](mailto:Z_fanaie@iaun.ac.ir)

### مقدمه

هنر میناسازی تعاریف مختلفی دارد، علامه دهخدا در این مورد نوشته: مینا ماده شیشه ای و دارای الوان مختلف است که جهت رنگ کردن فلزات و

ظروف سفالین و چینی به کار می رود. ماده اولیه و اصلی مینا سیلیس است که با کربنات دوپتاسن مخلوط می شود و برای زودتر ذوب شدن یک ماده کمک ذوب به آن اضافه می کنند. این ماده معمولاً به ورق (تنکار) است و برای رنگ کردن آن مواد رنگین به آن می افزایند. (دهخدا، 7711، 11272) "ولف" نیز در کتاب خود می نویسد: "اشیاء فلزی بسیارند و روش کارکردن روی هر کدام نیز تنوع زیادی دارد. این اشیاء را می شود ریخت، چکش کاری کرد، برید، سوراخ کرد یا از فلزات کشید. آرایش و تزیینی که روی این اشیاء فلزی به کار برده می شود عبارت است ازحکاکی، قلم زنی، لعاب کاری، مینا کاری. (ولف، 7711، 71)

میناسازی به لحاظ روش های خاص و مراحل متعدد ساخت همیشه به عنوان هنری تزیینی شناخته شده است. خصوصیات مینا در معرفی جنبه های مختلف آن به ویژه در دوره قاجار دارای اهمیت است. این هنر در دوره قاجار از پیشرفت چشمگیری برخوردار بوده است که این درخشش را می توان در عوامل متعددی از جمله کاربردی شدن این هنر و همچنین روی آوردن جمعی از هنرمندان به نقاشی روی قاب آئینه، قلمدان، جلد کتاب، مینا سازی و حمایت دربار از آنان جستوجو کرد. میناهای موزه آذربایجان تبریز نمونه هایی از مینای نقاشی قاجاری است که ضمن بیان پیشرفت و تکامل این هنر در آن زمان معرف فرهنگ، آداب، رسوم و پوشش مردم آن دوران نیز می باشند. هدف پژوهش پیشرو پاسخ به این پرسشهاست: 7- آیا اساساً در دوره قاجار پیشرفتی در هنر مینا سازی صورت گرفته است؟ 1- آیا فرهنگ، آداب، رسوم و پوشاک دوره قاجار بر نگاره های موجود بر روی میناهای قاجاری موزه آذربایجان تاثیر گذار بوده اند؟

در ادامه ضمن پرداختن به هنر مینا سازی دوره قاجار، نگاره های موجود در میناهای موزه آذربایجان مورد بررسی قرار می گیرد. در این راستا تصاویر، نقاشیها و عکس های موجود در کتب و اسناد مختلف بررسی می شود تا بتوان لباس و پوشاک دوره های مختلف قاجار را تجزیه و تحلیل نمود.

## ویژگی های میناسازی دوری قاجار

پیشینه میناکاری در ایران به هزاره دوم قبل از میلاد می رسد. این هنر از ایران آغاز و به سایر نقاط جهان راه یافته است. "پوپ" مینا کاری را هنر آتش و خاک با رنگ های پخته و درخشان که سابقه آن به 7022 قبل از میلاد می رسد معرفی می کند. (یاوری، 7727، 70) هنرمینا سازی را می توان یکی از اختراعات خلاق بشر دانست زیرا این هنر شامل فعل و انفعالات شیمیایی پیچیده ای است و می توان آن را هنر آزمایشگاهی نیز دانست. (فیض الهی، 7722، 71) مینا سازی هنری صناعی است که با استفاده از فلزاتی همچون مس، نقره، طلا، برنج و رنگ های معدنی که در ترکیب 70 درصد لعاب و 20 درصد رنگ است تشکیل شده است. لعاب مینا با توجه به ترکیبات حاصله بر روی ظروفی که قبلاً توسط استاد مسگر آماده شده در 7 مرحله و هر سه مرحله با درجه حرارت 002 الی 102 درجه و حتی در بعضی از مواقع 322 درجه سانتیگراد حرارت داده می شود تا پس از این مراحل آماده نقش و نگار شود. هنرمند با بهره گیری از قلم مو و رنگ های معدنی که با آب و صمغ و گلسیرین مخلوط می شود طرح هایی را روی لعاب سفید ترسیم می کند و بعد از آن دوباره به دل آتش سپرده می شود تا در نهایت ظرفی منقوش با رنگ های درخشان تولید شود. (فیض الهی، 7721، 1) از روی آثاری که به دست آمده می توان گفت که میناسازی از زمان های خیلی دور در کشور ما سابقه داشته و همواره مورد توجه خارجیان بوده است از جمله جام نقره ای موجود در موزه ایران باستان متعلق به دوران سلطنت ساسانیان که رفاصه های دوره ساسانی بر روی آن تصویر شده دلیل این مدعا است و یا به گفته «مولینی» مؤلف کتاب تاریخ و فن میناسازی «میناهای ساخت بیزانس که در زمره بهترین مینا های جهان به شمار می رود از هنر میناسازی ایران الهام گرفته شده است». (غرضی، 1341، 23-25) از دوران صفوی نمونه های

قابل ملاحظه ای از مینا بر جای نمانده است، اما در دوران قاجار میناکاری به صورت محدود وجود داشته و اشیایی مانند سرقلیان، کوزه قلیان، کوزه و بادگیر قلیان را میناکاری می کردند. در دربار پادشاهان قاجار به ویژه ناصرالدین شاه که قلیان کشیدن از سرگرمی های او و زنان درباری بوده قلیان های میناکاری شده وجود داشته است. (تصاویر 3 و 4)



تصویر 2

تصویر 1

تصویر 1- مدال تمثال ناصری (تمثال همایونی)، مجموعه خصوصی، مینا با قاب نقره، ماخذ: [www.qajarpages.org](http://www.qajarpages.org)

تصویر 2- ملکه ویکتوریا با مدال تمثال نادری، ماخذ: عکسهای تاریخی ایران همچنین در خانه های اشراف و بزرگان آن عصر نیز این قبیل اشیاء میناکاری یافت می شده است. اشیاء دیگری مانند کمربند، آفتابه لگن، انفیه دان، گلاب پاش، گوشواره، اشکدان و قوطی سیگار میناکاری شده نیز از این دوره موجود است. در دوره قاجار، هنر میناسازی به جهت شیوه ساخت و نوع مواد اولیه به عنوان هنری درباری و اشرافی شناخته می شد که ابتدا در قسمتهایی کوچکی از وسایل تزیینی به کار می رفت. با حمایت دربار فتحعلیشاه از میناسازان، این هنر گسترش یافت و هنرمندان با استفاده از ورقه طلا و اکسیدهای معدنی نادر و کمیاب، توانستند نمونه هایی مانند مدال با تصاویر شاهی و شیر و خورشید (تصاویر 1 و 2)، سنجاق سینه، انفیه دان، گوشواره و غیره را بسازند که در نوع خود بی نظیر بودند. تعدادی از این نمونه ها در خزانه جواهرات ملی بانک مرکزی و همچنین در موزه های مختلف دنیا نگهداری می شود.

به تدریج در زمان ناصرالدین شاه هنرمندان از این هنر در وسایل کاربردی تر مانند سرقلیان و شمعدان، پایه چراغ ها، گلدان و غیره استفاده نمودند که البته همچنان این هنر در خدمت دربار و اشراف بود. میناهای مورد استفاده در این دوره از نوع مینای نقاشی یا مینای خانه بندی (سیمی) بود که توسط نقاشان معروف این دوره نقاشی می شد و بر روی ورقه طلا یا ظروف نقره ای انجام می گرفت.



تصویر 3



تصویر 4

تصویر 3- بشقاب مینا از دوره فتحعلیشاه قاجار با تصاویری از شیر و خورشید و گل و مرغ، اثر محمد جعفر، (همان)  
تصویر 4- سرقلیان مینا کاری از دوره قاجار میانه سده نوزدهم میلادی، ماخذ:  
[www.christies.com](http://www.christies.com)

### معرفی موزه آذربایجان تبریز

موزه آذربایجان یکی از مهم ترین موزه های ایران به شمار می رود که در شهر تبریز و در کنار مسجد کبود قرار دارد. (تصویر 0) این موزه دارای سه طبقه است و در آن آثار متعلق به دوران قبل و بعد از اسلام به نمایش گذاشته شده است. نقشه تنظیمی بنای موزه آذربایجان توسط "آندره گدار" تهیه و اسماعیل دیباج (رییس اداره فرهنگ تبریز) آن را ترسیم نموده است. در سال های 7720 و 7721 خورشیدی، نمایشگاه سکه های تبریز در کتابخانه تربیت برقرار شده بود و در همین سالها بود که طرح تاسیس موزه آذربایجان در این شهر مطرح گردید. در سال 7770 خورشیدی، 121 عدد اثر تاریخی متعلق به موزه ایران باستان به تبریز ارسال شد تا در کتابخانه ملی این شهر به نمایش گذاشته شود. در اردیبهشت 7771 خورشیدی ساخت موزه آغاز و به طور رسمی در سال 7717 خورشیدی به بهره برداری رسید. در تبریز موزه دیگری نیز وجود دارد که عمده ترین اشیا تاریخی عهد قاجار در آن نگهداری می شود. موزه قاجار کاملاً مستقل از موزه آذربایجان تبریز است.



## معرفی جامع آماری و مبنی ر<sup>ا</sup>

### Archive of SID

همان طور که اشاره شد میناهای موجود در موزه آذربایجان هفده قطعه است که بر روی پلاک های بیضی شکل و مسی در اندازه های متفاوت ساخته شده و از نوع مینای نقاشی است که می توان بر اساس روش نمونه گیری این نمونه ها را چنین تقسیم بندی کرد:

- 7- جنسیت (زن، مرد)
- 1- ابزار و مواد و مصالح
- 7- آثار امضا خورده
- 1- سبک و نحوه اجرا و جزییات نقاشی‌ها
- 0- نوع پوشش و لباس

### اجی‌سی‌ت و موو<sup>ا</sup> (زن، مرد)

پلاک های مینایی در قاب چوبی به اندازه  $77 \times 12$  و بر روی پارچه ای ابریشمی سبز رنگ قرار داده شده است. (تصویر 0) شش قطعه از میناها شامل تک نگاره های زنان قاجار است که نقاشی‌های به کار رفته در آنها حالات و شخصیت‌های متفاوتی را نشان می دهد. هشت قطعه دیگر از میناها شامل شمایل مردان قاجار است. در این نگاره ها زنان از نظر آرایش، نوع لباس و زیورآلات به سبک زنان قاجار هستند، در حالی که 7 تصویر از مردان دارای آرایش و تزیینات غربی و 0 تصویر از آنها، سیمای مردان قجری را به نمایش می گذارد که برخی از آنها (پلاک 70) دارای پوشش سر و لباس عهد صفوی می باشند و این موضوع گویای این است که در این دوره هنوز پوشش صفوی رواج داشته است. سه قطعه از این میناها بزرگتر و در اندازه تقریبی  $7 \times 0$  سانتی‌متری و نشان‌دهنده مجلس بزم و شادی زنان قاجار است. باقی میناها در اندازه‌های بین  $1/0 \times 1$  سانتی‌متر است و به صورت نقاشی و بر روی لعابی سفید رنگ، استادانه و با ظرافت ساخته و پرداخته شده‌اند. کیفیت میناها همه متوسط است و به غیر از پلاک شماره 70 که متعلق به دوره محمد شاه می‌باشد سایر پلاک‌ها به دوره ناصری تعلق دارند.



تصویر 0- تصویری از میناهای مورد بررسی موزه آذربایجان، ماخذ: فیض‌اللهی

طبق اظهار مسئولان موزه آذربایجان این میناها توسط دادگاه انقلاب تهران به این موزه سپرده شده و با شماره ثبت 1270 نگهداری می شود.<sup>1</sup> (جدول 7)

Archive of SID

جدول 1 - درصد میناهای موزه آذربایجان

جنسیت	تعداد نمونه	درصد
مرد	2	11
زن	0	70/13
مختلط	7	71/01
مجموع	71	722

جدول شماره 1، جزئیات نمونه های مورد بررسی را نشان می دهد که در آن مواردی همچون زمان ساخت، اندازه، کیفیت، موضوع، جنسیت و پوشش را در بر می گیرد.

جدول 2- مشخصات و ویژگیهای آثار مینایی

ردیف	اندازه سائیمتر به	جنسیت	پوشش	جنس پارچه	مضمون	نمونه ها
7	1×1/0	متوسط	چارقد	مس	تک چهره يك دختر جوان	
1	1×1/0	متوسط	چارقد	مس	تک چهره يك دختر جوان	
7	1×1/0	متوسط	پیراهن، ارخالق، جوراب تنگ، دامن کوتاه	مس	تک چهره دختر نوازنده	

1- مصاحبه با فاطمه اصل صریرای، مسئول موزه آذربایجان، تاریخ مصاحبه 7723

	تک چهره زن	مس	چادر و چارقد و روبنده کنار زده شده	متوسط	1×1/0	1
	تک چهره زن	مس	چارقد، ارخالق، دامن کوتاه و جوراب تنگ	متوسط	1×1/0	0
	تک چهره زن	مس	چارقد، پیراهن و کلیجه	متوسط	1×1/0	0
	بزم زنان درباری	مس	چارقد، ارخالق، دامن کوتاه و جوراب تنگ	متوسط	0×7	1
	بزم زنان درباری	مس	چارقد، ارخالق، دامن کوتاه و جوراب تنگ	متوسط	0×7	2
	مجلس بزم	مس	زنان با چارقد و یا بدون روسری، ارخالق، دامن و جوراب تنگ	متوسط	1×1/0	3
	مرد، تک چهره	مس	عمامه و دستار، پیراهن و قبا	متوسط	1×1/0	72
	تک چهره مرد درویش	مس	کلاه و رداء با موهای بلند	متوسط	1×1/0	77

مواد و  
ساخت  
پلاک-  
مسی  
و با  
سفید

	مرد، تک چهره	مس	پیراهن و قبا	متوسط	1×1/0	71
	مرد تک چهره	مس	قبا و پیراهن، کلاه پشمی با امضای علی، غیر معروف	متوسط	1×1/0	77
	مرد، تک چهره	مس	قبا و پیراهن	متوسط	1×1/0	71
	مرد، تک چهره	مس	قبا و پیراهن و عمامه ناصری با امضای علی معروف	متوسط	1×1/0	70
	مرد، تک چهره	مس	مرد با لباس‌های زمان ناصری، کلاه، پیراهن، قبا و کلیجه خز دار	متوسط	1×1/0	70
	مرد، تک چهره	مس	پیراهن و قبا	متوسط	1×1/0	71

ابزار و  
مصالح  
زیر  
این  
ها  
است  
لعب  
رنگ

نازکی زمینه آن‌ها پوشیده شده است. در بعضی از نقاط پریدگی یا ترک خوردگی دیده می‌شود که در اثر ضربه یا گذشت زمان به وجود آمده است. بر روی این پلاک‌های لعاب خورده نقاشی انجام گرفته است. همان‌طور که گفته شد میناهای موزه آذربایجان بر روی مس ساخته و پرداخته شده اند و این ماده سبب می‌شود تا نقاط ریز سیاه رنگی روی نقاشیها دیده شود (پلاک شماره يك)، این عمل بر اثر ترکیب لعاب رنگهای مینایی با ماده



مس است، که تاحدودی کیفیت میناها را پایین می آورد. این نوع جوشها در نمونه های مینایی باورقه ی طلا و نقره مشاهده نمی شود.<sup>2</sup> طبق نوشته های "بینینگ" در گذشته نفیس ترین آثار میناکاری را بر روی طلا اجرا می کردند، زیرا طلا تنها فلزی است که در مرحله ذوب شدن مینا اکسیده نمی شود.<sup>3</sup> (بینینگ، 7201، 37-132) "مینا کاری منقوش بر روی طلا بیش تر در قالب پایه قلیان موجود است". (خلیلی، 7727، 37) تصاویر 1 و 2 نمونه هایی از مدالهای مینا بر روی طلا را نشان می دهند که متعلق به دوره فتحعلیشاه می باشد و دارای کیفیت بسیار بالایی است.



تصویر 2



تصویر 1

تصویر 1- تصویر مینایی فتحعلیشاه بر روی ورقه طلا، ماخذ: (خلیلی، 77273720)  
تصویر 2- تصویر عباس میرزا، مینای زرکوب بر روی چینی، ماخذ: (خلیلی، 77273720)

## آثار امضا دار

چنین به نظر می رسد که این پلاکها در یک زمان و توسط یک نفر نقاشی نشده اند. چنانچه می دانیم در زمان قاجار میناسازان متعدد و بزرگی وجود داشتند که در دربار مشغول به کار بوده اند. در این جا نیز مانند نقاشی لاک، کیفیت به شدت فرق می کند، اما نمونه های زیبایی از آن به وسیله هنرمندانی چون باقر و علی در زمان فتح علی شاه<sup>3</sup> و یا کاظم بن نجف علی (در زمان ناصر الدین شاه) امضاء شده و دارای دقت و ظرافت خاصی است. (رابینسن، 7721، 37) پلاکهای مینایی دیگری نیز وجود دارد که به زمان محمد شاه با امضای محمدعلی و زمان ناصرالدین شاه که آن را به نقاش دربار محمدحسن افشار نسبت می دهند. (خلیلی، 7727، 711) میناکاری با امضای افراد متفاوت مانند عبدالرحیم و سید محمد نیز وجود دارد. در تصاویر شماره 3 و 72 (پلاکهای شماره 77 و 70) کلمه علی در کنار پلاکها دیده می شود که احتمالاً نام شخصی است که تصویر را کشیده است. چون در آن زمان مرسوم بوده که مینا سازان نام خود را در کنار کارشان امضاء می کردند. با توجه به آثار باقی مانده مینایی از دوران اولیه قاجار (زمان فتحعلیشاه یا محمد شاه) که در موزه های مختلف نگه داری می شود، چند اثر می توان یافت که دارای امضا با نام علی یا علی ادرکنی است که احتمال می رود امضای میناساز برجسته زمان فتحعلیشاه باشد. تصویر 72 (پلاک شماره 70) نمونه ای از این پلاکهای امضا شده است که از نظر نوع پوشش سر نیز با باقی میناها تفاوت دارد و احتمالاً بعداً در این مجموعه قرار داده شده است. تصویر 3 با امضای "علی" مرد دیگری را نشان می دهد که در نگاه نخست از نوع سبیل و کلاهش می شود او را روسی دانست. اما باتوجه به این که در این دوره اروپاییان در ایران حضوری گسترده داشتند و به طبع آن تاثیر پذیری از هنر اروپایی و روسی بسیار

<sup>5</sup>- مصاحبه با احمد و علی رضا پروازی، محققین هنر های سنتی، تبریز در تاریخ 7723

<sup>6</sup>- عبدالله خان از دیگر هنرمندان دوره فتحعلیشاه بود که علاوه بر اینکه نقاش چیره دستی بود میناکار و معمار ماهر دربار نیز شناخته می شد. (فلور، 1381، 95)

رایج بود که این مساله تاثیرات هنر اروپا را نمایان می کند و بنا به نقاشی‌های باقی‌مانده از زمان صفوی می‌توان اظهار کرد این نوع کلاه در آن دوران متداول بوده است.

Archive of SID



تصویر 72

تصویر 3- پلاک مینایی (شماره 77)، مردی با کلاه پشمی با امضای علی، ماخذ: فیض‌الهی

تصویر 72- پلاک مینایی (شماره 70)، مردی با عمامه عصر صفوی با امضای علی نقاش، ماخذ: فیض‌الهی

### شی‌وی و حوی اجرا و سرهمی اقیاشی<sup>۱</sup>

با نگاه به نمونه‌ها درمی‌یابیم بیشتر آن‌ها به صورت تک نگاره نقاشی شده‌اند. علت این امر را می‌توان در اشاعه عکاسی، چاپ و تکثیر کتب داخلی و خارجی، حضور نقاشان غربی و در نتیجه رواج شیوه‌های اروپایی در ایران و در دوره قاجار دانست. صنعت چاپ و نفوذ فرهنگ و هنر اروپایی در ایران قاجاری، فرهنگ تصویرگری به سبک اروپایی را نیز با خود به همراه داشت<sup>۴</sup>. اعمال نظر درباریان و شاهزادگان در نحوه اجرای آثار تصویرسازی کتاب‌ها و نسخ خطی، موجب اشاعه شمایل‌سازی و جایگزینی شخصیت‌های درباری به جای شخصیت‌های اول داستان‌ها شد. (فدوی، 7720، 771) تاثیر عکاسی بر نگارگری دوره قاجار امری بلامنازع است. (گری، 7703، 710) هنرمندان مکتب قاجار سنت‌های ایرانی و اسلامی را با سنت‌های غربی درآمیخته و از آن مکتبی منحصر به فرد ایجاد کردند<sup>۵</sup>. این مکتب جلوه‌های ویژه و عناصر بصری خاص خود را دارد. اگرچه به لحاظ محتوایی فاقد ارزش‌های متعالی حتی در مواردی عشرت‌طلبانه و سطحی‌نگرانه است. (ره‌نورد، 7720، 710)

از نظر فضا سازی تصاویر را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. فضاهای داخلی، طبیعت و پس‌زمینه‌های ساده و بی‌نقش. به غیر از تصویر 71 (پلاک شماره 0) که در فضایی بسته اتفاق است و تصاویر 3 و 72 (پلاک‌های 77 و 70) که دارای پس‌زمینه‌های ساده و آبی‌رنگ می‌باشند، زمینه‌های سایر تصاویر در فضایی باز طبیعت و در میان انبوهی از درختان و چمن‌زار و یا دورنمایی از طبیعت که بسیار ساده مصور شده‌اند، قرار دارند. می‌توان نتیجه گرفت در این نگاره‌ها ابتدا شمایل افراد و سپس فضایی اطراف آن‌ها مورد

<sup>7</sup> - اولین چاپخانه ایران و خاورمیانه در جلفای اصفهان راه اندازی شد که پس از مدتی کار حدود 36 سال تعطیل ماند و در سال 1872 میلادی مجدداً راه اندازی شد. در سال 1227 هجری قمری اولین چاپخانه سربی و در سال 1250 اولین چاپخانه سنگی توسط عباس میرزا در تبریز دایر شد. تصاویر یا از طریق ورقه‌های مسی و اسید و حکاکی گود و یا به طریق طراحی و حکاکی روی سنگ چاپ می‌شدند. (عابدینی، 1380، 151)

<sup>8</sup> - سبک پیکرنگاری درباری که در زمان فتحعلیشاه به اوج خود رسیده بود و نمایان‌گر اوج هم‌آمیزی سنت‌های ایرانی و اروپایی است. (پاکباز، 1379، 151)

توجه هنرمند نقاش بوده و او در ترسیم فضاهای داخلی دقت عمل و ظرافت بیشتری به کار برده است. پرده آویزان یا بسته شده قرمز رنگ، مخده منقوش، قالی و بخشی از پنجره عمده‌ترین تزیینات فضاهای داخلی این دوره هستند.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد استفاده از شیوه پردازش و سایه روشن و حجم نمایی به جای خطوط در نقاشی‌های مورد اشاره است که علاوه بر این که تأثیرات طبیعت گرایانه اروپایی را آشکار می‌سازد، نشان‌گر ابتکار عمل و ذوق هنرمندان میناکار این دوره است.

## ووع پوشش لباس

پوشاک در دوره قاجار سه دوره متفاوت را دربر می‌گیرد، دوره اول از ابتدای حکومت قاجار تا مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ را شامل می‌شود که هنوز ارتباطات با دول خارجی توسعه نیافته بود. دوره دوم از مسافرت ناصرالدین شاه تا آغاز دوره مظفری است که با آمدن تجار و سیاحان اروپایی به ایران و مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا تحول چشمگیری در پوشاک به وجود آمد. دوره سوم نیز از آغاز دوره مظفرالدین شاه تا پایان دوره قاجار را در بر می‌گیرد. تغییر و تحول پوشاک اغلب برای مردان در شلوارها و کلاه‌ها و برای زنان در دامن‌ها و شلیته‌ها بیشتر مشاهده می‌شود. در دوره اول سلطنت قاجار بلندی دامن زنان در مدت کوتاهی حتی بلندتر از دامن زنان دوره زنده بود ولی در دوره دوم حکومت که از اواخر دوران پادشاهی ناصرالدین شاه شروع شد، تحول چشمگیری در پوشش زنان به وجود آمد و دامن‌های بلند به تنبان و شلیته تغییر کرد. ناصرالدین شاه در سفر به اروپا هنگامی که در مسکو در تماشاخانه کاولین لباس‌های بالرین‌ها را مشاهده کرد، سخت شیفته آن نوع لباس شد و چون از سفر اروپا مراجعت کرد هوس کرد زندهای حرم خود را به این لباس در آورد. (ذکاء، 11، 7700 و 11) آثار فراوان باقی مانده از این دوره چون سفرنامه‌ها، نقاشی‌های رنگ و روغن، نقش برجسته‌ها و نیز در اواخر سلطنت قاجار، عکس‌ها گویای مظاهر تمدن و انواع پوشاک است که در آن دوره وجود داشت. (غیبی، 548، 1384) تصاویر 9 و 10 لباس زنان درباری دوره قاجار را نشان می‌دهند.

در جدول شماره 1، از تعداد هفده نمونه ارائه شده 8 تصویر مرد، 6 تصویر زن، 2 تصویر گروهی و 1 تصویر مختلط وجود دارد. برای بررسی پوشاک مصور شده در نمونه‌ها ابتدا لازم است پوشاک زنان و مردان قاجاری معرفی شود.

## الف پوشاک زنان

مهم‌ترین بخش پوشاک زنان متشکل از پیراهن، دامن، ارخالق<sup>9</sup>، شلوار و تنبان یا دامن شلواری، کلیجه<sup>7</sup>، کلاهک با توری، چارقد، چادر، روبنده، نقاب، چاقچور و کفش بود که این عناصر پوششی در دوره‌های مختلف قاجار با هم تفاوت داشتند برای مثال شلوار و تنبان یا دامن شلواری زنان، در دوره اول قاجار، یعنی پادشاهی تا اواسط دوره ناصرالدین شاه دیده می‌شود و چون دامن‌ها بلند بود شلوارها دیده نمی‌شد. (غیبی، 0323032، 7720) اما در دوره دوم در اندرونی‌ها شلوار کشی و بافته سفیدی رواج یافته

<sup>9</sup> - ارخالق نیم تنه یا کت بلندی بود که بعد از پیراهن پوشیده می‌شد و از پارچه ای نفیس با آستین‌های سنبوسه دار دوخته می‌شد و جلو باز بود. مردان ارخالق را زیر قبا و زنان روی قبا می‌پوشیدند به همین دلیل تصویری که نشانگر ارخالق مردان باشد موجود نیست. این پوشش در دوره دوم به نیم تنه آستین شمشیری بدل شد. (ذکاء، 29، 1336)

<sup>10</sup> - کلیجه پوششی بلند (تا مچ پا) و جلو باز بود که به عنوان لباس رو زنان و مردان به طور یکسان از آن استفاده می‌کردند. رفته رفته به صورت کت کوتاهی درآمد

بود که به آن تنگه تنبان می‌گفتند و زنان طبقه پایین‌تر شلووار مشکی می‌پوشیدند. (تصویر 77) اسناد و مدارک نشان می‌دهند تن پوش زنان در دوره اول قاجار ادامه تن پوش دوره زندیه بوده که در دوره دوم قاجار عظیمی یافت. در دوره دوم پیراهن‌ها تنگ و کوتاه بود و معمولاً آن را از پارچه گاز یا ململ سفید که زری دوزی یا نقره دوزی می‌شد، می‌دوختند. (پولاک، 1361، 115)



تصویر 11- یکی از زنان ناصرالدین شاه با چارقد، شلیته و دامن کوتاه و جوراب تنگ سفید، ماخذ: پایگاه عکس‌های تاریخی ایران ([www.funian.com](http://www.funian.com))

پوشش سر زنان در دوره اول سلطنت قاجار همان پوشش زنان زندیه بوده که عبارت از تور نازک همراه کلاه یا عرق چین مزین به انواع جواهر بود که تا زمان فتحعلیشاه ادامه داشت و در بسیاری از آثار نگارگری ایرانی این پوشش نمایان است. در دوره ناصرالدین شاه پوشش سر تبدیل به چارقد شد و اصلی‌ترین پوشش سرخانم‌های اندرونی چارقد بود، آن‌ها چارقد‌ها را زیر گلو سنجاق می‌کردند که امروزه نیز به همین روش روسری، سر می‌شود با این تفاوت که زیر گلو گره می‌زنند. (پولاک، 770، 770) تصویر 71، نمونه‌ای از نقاشی و تصویر 77 عکسی از زنان ناصرالدین شاه را با پوشش‌های متفاوت نشان سر می‌دهند.



تصویر شماره 77



تصویر شماره 71

تصویر 71- نقاشی رنگ روغنی، زن گلدان به دست، دوره فتحعلیشاه، ماخذ: (Falk, 1972)  
تصویر 77- دو تن از زنان دربار ناصرالدین شاه، ماخذ: پایگاه عکس‌های تاریخی ایران

در تصویر 11، سایر ویژگی‌های لباس دوره اول مانند دامن بلند، شلووار، پیراهن و ارخالق دیده می‌شود. این لباس‌ها همه متعلق به دوره دوم می‌باشند.

باشد و اغلب متشکل از پیراهن، دامن‌های کوتاه، جوراب‌های چسبان، چارقد، ارخالق و کلیجه است. پلاک 6، نمونه ای از کلیجه یا شاپکین و پلاک 4 نمونه ای از پوشش بیرونی زن‌ها را که متشکل از چادر و روبنده است، نمایش می‌دهند. پلاک 8 که نمایانگر بزم زنانه است و در جلو تصویر زنی در حال نوشیدن مشاهده می‌شود که دارای دامنی بلند است. همان گونه که پیش‌تر نیز گفته شد این دامن‌های بلند متعلق به دوره اول و پیش از مراودات تجاری و فرهنگی با اروپا می‌باشد. پوشش این زن عبارت است از چارقد، ارخالق، و دامن بسیار بلند که نشان می‌دهد که این نوع پوشش در دوره دوم نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته و کاربرد آن به نسبت محدود تر بوده است.

در پلاک‌های شماره 3 و 9 زنانه دیده می‌شوند که هیچ پوششی بر سر ندارند و در پلاک شماره 4 همانگونه که قبلاً نیز گفته شد زنی با پوشش بیرونی دیده می‌شود. به غیر از مواردی که اشاره شد پوشش سر در این پلاک‌ها چارقد است که زیر چانه سنجاق شده است و عموماً به رنگ سفید و طرح‌دار و در اندازه های بزرگ می‌باشد که تا کمر را می‌پوشاند و بخشی از موی زنان از بالای چارقد نمایان است که جزیی از آرایش زنان این دوره محسوب می‌شده است. رنگ‌های قرمز، آبی، سفید، اکر و قهوه ای که همه بهه وسیله پرداخت سایه روشن کاری شده‌اند، عمده رنگ‌هایی است که در این تصاویر مورد استفاده قرار گرفته است. هیچ یک از نمونه ها نشانه‌هایی از پوشش سر متعلق به دوره اول که همان تور نازک با کلاهک یا عرقچین باشد را ندارند و تنها می‌توان به نمونه های نقاشی شده استناد کرد. (تصویر 12) در بیشتر عکس‌هایی که از زنان این دوره باقی‌مانده رنگ و طرح چارقدها متنوع مشاهده می‌شود. (تصاویر 14 و 15)



تصویر

تصویر 14

15

تصویر 14- اخترالدوله، دختر ناصرالدین شاه به همراه خدمتکارانش، ماخذ: مجله اپیزود، شماره 6

تصویر 15- زنان دربار ناصرالدین شاه، ماخذ: مجله اپیزود، شماره 6



تصاویر 72 (پلاک 0)



تصاویر 70 (پلاک 7)



تصاویر 71 (پلاک 1)

تصاویر 70- (پلاک 7) نمونه هایی از تصاویر زنان با چارقد های طرح دار و بخشی از آرایش مو که از زیر چارقد دیده می شود. ماخذ: فیض‌اللهی  
 تصاویر 71- (پلاک 1) نمونه هایی از تصاویر زنان با چارقد های طرح دار و بخشی از آرایش مو که از زیر چارقد دیده می شود. ماخذ: فیض‌اللهی  
 تصاویر 72- (پلاک 0) نمونه هایی از تصاویر زنان با چارقد های طرح دار و بخشی از آرایش مو که از زیر چارقد دیده می شود. ماخذ: فیض‌اللهی

لباس هایی که زنان در حرمسرا می پوشیدند با آن چه در کوچه و خیابان به تن داشتند، بسیار متفاوت بود. لباس کوچه و بازار را از این جهت تهیه می کردند که همه زنان از لحاظ ظاهر به یک شکل و صورت در آیند. (میثمی، 7721، 710-717) به طور کلی پوشش اصلی زنان در دوره اول و دوم قاجار در خارج از خانه چادر بود و انواع گوناگون داشت که عبارت بود از چادر نماز چیت، مخمل، اطلس و یا چادر کرباس چهار خانه به رنگ های آبی و قهوه ای در تصویر شماره 73 (پلاک 1) نیز زنی با چارقد، چادر و روبند کنار زده در حالی که گلی در دست دارد در طبیعت تصویر شده است. که نشان دهنده هویت و فرهنگ اجتماعی زنان ایرانی در آن دوره است. تصویر 73 پلاک مینایی، تصویر 12، اثر نقاشی و تصویر 17 عکسی از زنان را با پوشش چادر دوران ناصری نشان می دهند.



تصویر 17



تصویر 73



تصویر 12

تصویر 73- (پلاک 1) مینایی، زن قاجار با پوشش روسری، ماخذ: فیض‌اللهی  
 تصویر 12- پرده رنگ روغنی منسوب به محمد، زنی که روبنده اش را کنار زده، میانه سده 77 هجری، ماخذ: (Falk, 1972)

تصویر 17- بخشی از عکس زنان با پوشش چادر و روبند در دوره قاجار، ماخذ: پایگاه عکس های تاریخی ایران

## Archive of SID

### بپوشاك مردان

مهمترین عناصر پوشاک مردان عبارتند از: پیراهن زیر، پیراهن رو، ارخالق، قبا یا جبه، کلیجه، شال کمر و کمر بند، سرداری<sup>8</sup>، شلوار، کلاه، دستار و عمامه، تاج، جوراب و کفش. از آن جا که تصاویر مردان در این پلاکها (به جز پلاک 77) همه به صورت نیم تنه می باشند، آن چه بیشتر به چشم می خورد پیراهن (تصویر 11) و قبا یا جبه (تصویر 17) است. مردان قاجاری در هر دو دوره دارای دو نوع پیراهن زیر و پیراهن رو بودند. پیراهن زیر از پارچه سفید ساده و سجا ف دوزی شده و دارای یقه گردی بود که از چپ شانه روی قسمت راست آن قرار می گرفت و با دکمه بسته می شد. جنس پیراهن رو بسته به مقام و منصب از پارچه های گلدار ابریشمی تهیه می شد. این لباس جلو بسته و اندازه آن تا نزدیک زانو بود و روی پیراهن زیر پوشیده می شد، بنابراین در تصاویر پیراهن زیر دیده نمی شود. روی پیراهن رو قبا یا جبه می پوشیدند. قبا یا جبه مهمترین بخش لباس مردان قاجاری بود که تشخیص فرد را می نمایاند و انواع گوناگونی داشته است. در دوره اول با دامنی بلند پوشیده می شد و در دوره دوم به ویژه پس از مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا بلندی دامن این قباها به تدریج تا بالای زانو هم رسید. قبا به شیوه های متفاوتی دوخته و مورد استفاده قرار می گرفت. گاهی جلوباز، دو پهلو چاکدار با آستین های بلند سنبوسه دار و تنگ، گاهی تا ساق پا جلو باز بود و طرف چپ روی طرف راست قرار می گرفت، گاه با شال بسیار زیبایی بسته می شد بطوری که پیراهن بلند از زیر آن پیدا بود و گاهی نیز این قباها کوتاه تر از قبا های رویی بوده است (تصویر 11). پوشش سر از دیگر پوشاک است که کاربرد زیادی در این دوره داشته و بسیار متنوع بوده است. انواع کلاه ها، شال و کلاه، عمامه و دستار، تاج و تاج کلاه توسط مردان مورد استفاده قرار می گرفته است. (تصاویر 24 و 25)



تصویر 17

Vogelsang-Eastwood, 2001, 9, 10



تصویر 11

تصویر 11- نمونه ای از قبای مردانه، ماخذ: Vogelsang-Eastwood, 2001, 9, 10  
تصویر 17- نمونه ای از پیراهن مردانه، ماخذ: Vogelsang-Eastwood, 2001, 9, 10

13- سرداری جامه کمر چین که روی لباسهای دیگر می پوشند. (غیبی، 1384، 560)



Archive of SID



تصویر 25

تصویر 24

تصویر 24- يك مقام حكومتي و همراهانش، (در اين تصوير اين مقام حكومتي پيراهني غربي پوشيده كه از يقه آن مشخص است، ماخذ: Vogelsang-Eastwood,2001,2

تصویر 25- چهره شاهزاده اردشير ميرزا، اثر ابوالحسن غفاري، تهران، 1269هجری، ماخذ: (پاكباز، 180، 1379)

آن چه پلاكهاي 10 تا 17 دیده می‌شود همه مردان داراي پيراهن رو و قبا هستند كه اين قباها به شيوه هاي متفاوت استفاده می‌شد. در پلاكهاي 14 و 17 كه بسيار شبیه به هم هستند دو مرد جوان با موهاي بلند دیده می‌شوند كه گوش راست هر دو پيدااست، گردنبنند به گردن دارند و پوشش آن‌ها پيراهن و قبایي جلو باز است و هر دو تصوير داراي دورنمايي از طبيعت است. حتي رنگ لباس در اين دو تصوير بدون در نظر گرفتن تيرگي و روشني يكي است. پلاك 12 مردی میانسال با موي بلند و ريش و سبيل را نشان می‌دهد كه بر روي پيراهن قبایي پوشيده و قسمت چپ روي قسمت راست بسته شده است. همچنين در پلاك 10 عمامه قاجاري، پلاك 11 كلاه درويشي، پلاك 13 كلاه پشمي، پلاك 15 عمامه دوره صفوي و پلاك 15 كلاه معمولي دوره ناصري قابل مشاهده است. به جز مواردی كه ذكر شد، در پلاك 11 تك پيكره درويش جواني كه معروف به نورعليشاه است، دیده مي شود. تصوير او در بسياري از نقاشي-هاي قاجاري و حتي در طراحي هاي قالي اين دوره هم به كار رفته است. اين درويش داراي كلاه درويشي، موي بلند، قبایي آستين بلند يا كليجه است و در کنار درختي نشسته و كشكولي همراه خود دارد. درپلاك 16 پوشش متنوع تري دیده مي شود. مرد جواني با كلاه، پيراهن سفيد ساده، قبایي طرح‌دار ترمه قهوه اي كه از راست به چپ بسته شده و كليجه ترمه خزداري كه روي قبا پوشيده، دیده مي شود. كليجه معمولا روي لباسها قرار مي گرفت و بيشتر در فصل سرما استفاده مي شد.

بیشترین رنگ در تك چهره هاي مردان، رنگ هاي گرم مانند قهوه اي و ارغواني است كه براي قبا و كليجه استفاده می‌شد. به جز پلاكهاي 14 و 17 كه مردان پيراهن‌هاي آبي فيروزه اي بر تن دارند در ساير تصاویر پيراهن-ها سفيدند. در پلاك 10 قبایي شيخ آبي روشن و پلاك شماره 15 عمامه مرد



جوان به رنگ اکر ترسیم شده است. در کل رنگهایی که در این تصاویر استفاده شده اند عبارتند از ارغوانی، قهوه ای، سفید، آبی و اکر.

Archive of SID

نئی‌ج

میناسازی از جمله هنرهایی است که در دوره قاجاریه به ویژه در زمان فتحعلیشاه بسیار مورد توجه قرار گرفته و پیشرفت زیادی داشته است. هنرمندان زیادی در دربار یا به طور اختصاصی و یا در کنار سایر هنرها همچون نقاشی و نقاشی لاک به این هنر نیز مشغول بودند. میناهای موجود در موزه آذربایجان نمونه ای از پیشرفت هنر و صنعت در همین دوران هستند. این میناها بر روی پلاکهای مسی که با لعاب سفید رنگی پوشیده شده اند و در اندازه (1/0×1/0 سانتی‌متر)، به روش مینای نقاشی کار شده و از نوع درجه دو یا متوسط می باشند. این پلاکها تصاویر زنان و مردان آن دوره را نمایش می دهند و مرجعی برای شناسایی پوشاک زنان و مردان این دوره است. البسه و پوشاک ایرانی در زمانهای متمادی دارای تنوع و زیباییهای خاص بوده که معرف فرهنگ و تمدن هر قوم و منطقه است، تحولات همه جانبه ای که در زمان قاجار در اثر روابط ایران با کشورهای اروپایی ایجاد گردید، ابتدا سبب تغییر ظواهر درباریان و سپس مردم عادی شد. در تصاویر پلاکهای موزه آذربایجان هر آن چه تحت عنوان آرایش، مد، لباس و زندگی درباری مطرح بوده، مشهود است. زنان با صورت های گرد، ابروان کمانی و شلیته و شلوار و چارقد با دقت و تاکید به تصویر کشیده شده اند. تصاویر زنان در پلاکهای مزبور با توجه به دامن های کوتاه، چارقدها، ارخالق و پیراهنهای آستین دار زنان دوره ناصری و پوشاک دوره دوم عهد قاجار را می نمایاند. نوع لباس و پوشاک مردان در این پلاکها متنوع است و لباس و آرایش مردان صفوی، قاجاری و اروپایی و همچنین لباس در اویش و دانشمندان را نشان می دهد. حس تجدد گرایی در بین مردم قاجاری چنان قوتی گرفته بود که آنها علاقه مند بودند تصویرشان با لباس و زیور آلات اروپاییان به تصویر درآید، تصاویر مردان قجری در این پلاکها بر اساس اسناد و تصاویر موجود در کتب، مربوط به زمان ناصری است. علاوه بر پوشاک که مهمترین عنصر در این پلاکها است، سایر ویژگیهای این پلاکها را می توان چنین دسته بندی کرد: به غیر از دو مورد از این پلاکها مابقی فاقد امضا هستند. 1- تاثیرات عکاسی، چاپ و رابطه با سایر کشورهای اروپایی در این نگاره ها مشاهده می شود. 7- در این نگاره ها ابتدا شمایل افراد و سپس فضای اطراف آنها مورد توجه نقاش بوده و او در ترسیم فضاهای داخلی دقت عمل و ظرافت بیشتری به کار برده است. 1- این میناها دارای ویژگیهای نقاشیهای رنگ روغنی و لاکي هم عصر خود است و دارای سایه روشن و حجم پردازی به شیوه اروپایی است. 0- زنان در این پلاکها در حال نواختن تار، تنبک، دف و کمانچه مشاهده می شوند که نشانگر رواج هنر موسیقی در بین بانوان این دوره است. 0- رنگ در این نگاره ها محدود و درخشان است و بیشتر رنگهای گرم مورد استفاده قرار گرفته است.

منابع و ماخذ:

ای وولف، هانس، سیروس ابراهیم زاده، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول 7711.

بازیل، گری، نقاشی ایرانی، ترجمه: عربعلی شروه، تهران، انتشارات عصر جدید، چاپ اول. 7703

پاکباز، روئین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، نارستان، 7713.

پولاک، س.، ترجمه: ک. جهانداري، سفرنامه پولاک، تهران، انتشارات خوارزمی چاپ اول. 7707

خلیلی، داود، گرایش به غرب، مترجم: پیام بهتاش، تهران، انتشارات کارنگ، 7727.

دمندان، پریسا، چهره نگاران اصفهان، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 7711.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد 1، تهران، دانشگاه تهران، 7711.

ذکاء، یحیی، لباس زنانه از قرن سیزدهم تا امروز، تهران، انتشارات اداره کل هنرهای زیبا، چاپ اول. 7700.

www.SID.ir

رابینسن، ب. و. هنر نگار گری ایران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، 7721.  
 رهنورد، زهرا، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: نگار گری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ اول. 7720  
*Archive of SID*  
 عابدینی، رضا، کارگاه چاپ دستی، تهران، وزارت آموزش و پرورش، 7722.  
 غرشی، مهدی. "باکارگاه میناسازی هنرهای زیبای کشور آشنا شوید". هنر و مردم، دوره 1، ش 9، تیر 41.  
 غیبی، مهرآسا، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، انتشارات هیرمند، چاپ اول، 7720.  
 فدوی، سید محمد، تصویرسازی در عصر صفوی وقاجار، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ اول. 7720.  
 فلور، ویلم، نقاشی و نقاشان دوره قاجار، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات ایل شاهسوند بغدادی، 7727.  
 فیض الهی، غلامعلی، هنر مینا، اصفهان، انتشارات نهفت، چاپ اول 7721.  
 فیض الهی، مریم، مراحل ساخت مینا با مینای حجره بندی، خلاصه مقالات گنجینه های از یاد رفته هنر ایران، تهران، فرهنگستان، چاپ اول. 7722.  
 مدرس، مهشید، نقاشان اروپایی در ایران در دوره قاجار شماره 3، تهران، فرهنگستان هنر، 7720.  
 میثمی، حسین، نگاهی به موسیقی دوره صفویه، فصلنامه گلستان هنر، شماره 1، تهران، فرهنگستان هنر. 7721.  
 یآوری، حسین، آشنایی با هنرهای سنتی، صبای سحر، تهران، چاپ اول. 7721  
 یآوری، حسین، فلزکاری، چاپ سوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، چاپ سوم، 7721.  
 مصاحبه با خانم فاطمه اصل صریرایی، مدیر مسئول مدیر مسئول موزه آذربایجان تبریز، 7723.  
 مصاحبه با آقایان احمد و علی رضا پروازی، محققین در هنرهای سنتی تبریز 7723.  
 دفتر معاونت صنایع دستی، صنایع دستی رو به زوال در استان اصفهان، سازمان میراث فرهنگی استان، اصفهان. 7720.  
نشریه الکترونیکی زنان، شماره ۱۰، زنان و جامعه: نقش تاریخی زنان - زنان در عرصه فرهنگ - زنان در انقلاب اسلامی

Falk. S. J, Qajar paintings. Faber and Faber limited, London. 1972

G.M. Vogelsang-Eastwood & L.A.Ferydoun Barjesteh ,an introduction to qajar era dress, , Southwest & Central Asia,2002

Gillian Vogelsong-eastwood, Qajar dress from Iran in the National museum of ethnology © Digital publications of the National Museum of Ethnology, 2001

Irena Koshoridze, Marina Friedman, Layla Diba, B.W.Robinson, Qajar portraits, Mega print, Istanbul, 2004.

R.B.M.Binning, A Journal of Two Years travel in persi ,Ceylon, &c., 2volumes, London, 1857.

http://tabrizim.milhanblog.com)

images.vam.ac.ukstyleqajar-iran521

www.funian.com

[www.qajarpages.org/qajorders.html](http://www.qajarpages.org/qajorders.html)

[www.christies.com](http://www.christies.com)

[www.episodemagazine.com/N26/ghajar.htm](http://www.episodemagazine.com/N26/ghajar.htm)

[www.rasekhood.net](http://www.rasekhood.net)

[landscape.blogfa.com/](http://landscape.blogfa.com/)